منتخب التواریخ معینی

منسوب به

معین الدین نطنزی

به اهتمام

پروین استخری

انتشارات اساطیر

منتخب التواریخ معینی

منتخب التواریخ معینی

منسوب به

معین الدین نطنزی

به اهتمام

پروین استخری

انتشارات اساطیر

۳۸۳

فهرستنویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

معین‌الدین نطنزی، قرن ۹ ق.

منتخب‌التواریخ معینی / تألیف معین‌الدین نطنزی؛ به اهتمام پروین استخری. ـ

تهران: اساطیر، ۱۳۸۳.

۴۵۴ ص. (انتشارات اساطیر، ۳۸۳) ISBN 964-331-216-x

فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. ۴۵۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. ایران ـ ـ تاریخ ـ ـ اتابکان، ۵۲۱ ـ ۹۴۹ ق. ۲. ایران ـ ـ تاریخ ـ ـ شبانکاره، ۴۴۸ ـ ۷۵۶ ق. ۳. ایران ـ ـ تاریخ ـ ـ مغولان و تیموریان، ۶۱۶ ـ ۹۱۱ ق. ۴. نثر فارسی ـ ـ قرن ۹ ق. الف. استخری، پروین، ۱۳۳۳ ـ ، گردآورنده. ب. عنوان.

DSR۹۰۲/م۶م۸ ۹۵۵/۰۵۶

۱۳۸۳ م۸۳-۹۵۶

انتشارات اساطیر

منتخب‌التواریخ معینی

تألیف معین‌الدین نطنزی

به اهتمام پروین استخری

چاپ اول: ۱۳۸۳

حروف‌چینی: مسعود

لیتوگرافی و چاپ: دیبا

تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه

شابک: X-۲۱۶-۳۳۱-۹۶۴

نشانی: میدان فردوسی، اول ایرانشهر، ساختمان ۱۰

تلفن: ۸۳۰۰۱۴۸، ۸۸۲۱۴۷۳ نمابر: ۸۳۰۱۹۸۵

فهرست مطالب

پیشگفتار

علاقهٔ تیموریان به تاریخ، سبب پدید آمدن آثار فراوانی در این زمینه شده است و به سبب همین آثار، تاریخ این دوره به اندازهٔ کافی شناخته شده است. تیمور خود مشوق تاریخ‌نویسان بود و دستور به نوشتن تاریخ‌های مختلفی داد که این موضوع در رشد تاریخ‌نویسی در این دوره مؤثر بوده است، چه تاریخ عمومی و چه تاریخ سلسله‌ای و چه تاریخ محلی.

منتخب‌التواریخ اثر معین‌الدین نطنزی تاریخ عمومی مختصری است از عهد آدم تا وفات تیمور و چند سالی بعد از او؛ و ظاهراً مؤلف قسمت‌های قبل از عهد خود را از *جامع‌التواریخ* رشیدی یا مأخذ آن برداشته است. لیکن حوادث عصر خود یا نزدیک به زمان خود را به تفصیل بیشتر پرداخته است و این قسمت از کتاب که در احوال امرای فارس و لرستان نوشته شده از مآخذ مهم این دوره محسوب می‌شود.

چاپ فعلی *منتخب‌التواریخ* بر مبنای چاپ ژان اوبن ایران‌شناس فرانسوی است که به چاپ قسمت مذکور اهتمام ورزیده است. تاریخ ملوک ایران جنوبی معاصر مغول، تاریخ مغول ساکن منطقهٔ جنوبی روسیهٔ فعلی، تاریخ مغول آسیای مرکزی، تاریخ سلسلهٔ سلاطین ایران پس از مغول و تاریخ تیمور.

از مؤلف *منتخب‌التواریخ* شرح حال روشنی در دست نیست و فقط به وسیلهٔ خود کتاب، اطلاعات مختصری از او به دست می‌آید که به گفتهٔ دولتشاه در دستگاه اسکندر بن عمر شیخ بن تیمور می‌زیسته و این کتاب را به نام او تألیف کرده است.

امیرزاده اسکندر، پسر عمر شیخ پسر امیر تیمور گورکان، به هنگام وفات امیر تیمور، حاکم همدان بود. پس از آن به شیراز نزد برادرش امیرزاده پیرمحمد رفت و پس از برادرش حکومت فارس را در دست گرفت. قلمرو حکومت او از فارس و

اصفهان تا قم بود. او کتابخانهٔ بزرگی در اصفهان ترتیب داده بود که مجمع علما و هنرمندان بود. در مقابل شاهرخ، علم طغیان برافراشت و خطبه و سکه به نام خود زد. پس از محاصرهٔ اصفهان، چون یارای مقاومت نداشت فرار کرد. در ضمن فرار دستگیر و به نزد شاهرخ آورده شد و به دستور وی، برادرش میرزا رستم او را کور کرد.

شاهرخ، پس از کور کردن شاهزاده اسکندر، او را نزد برادر دیگرش امیرزاده بایقرا فرستاد. اما اسکندر به دلیل تحریض برادرش به کسب استقلال، در جنگ بایقرا و میرزا رستم به دست میرزا رستم به قتل رسید.

دولتشاه سمرقندی می‌نویسد که: «اسکندر شعر نیز می‌گفته و مولانا معین‌الدین نطنزی مقامات و حالات اسکندری و تاریخ او را در قید عبارت» آورده و مولانا حیدر از شعرای ترکی و فارسی‌گوی «اشعار ملیح و پسندیده داشته، مثنوی *مخزن‌الاسرار* نظامی را به ترکی به نام اسکندر پرداخته است» (*تذکرة‌الشعرا*، ۲۸۰).

صاحب *احسن‌التواریخ* در بارهٔ او می‌نویسد: «میرزا اسکندر بن عمر شیخ پادشاهی بود جبار و قهار و صاحب‌کرم، در ولایت او سادات معاف بودند، هر سال از مال دیوان انعام فراوان دادی. مدت عمرش سی و دو سال. او را یک پسر بود پیرعلی نام، میرزا رستم او را به قتل آورد» (*احسن‌التواریخ*، ۱۰۲/۱).

دولتشاه سمرقندی گفته است که معین‌الدین نطنزی، کتاب *منتخب‌التواریخ* را به نام او تألیف کرده است ...

□□□

ژان اوبن، مصحح *منتخب‌التواریخ* در سال ۱۹۲۷ به دنیا آمد و در سال ۱۹۹۸ / ۱۳۷۶ درگذشت. او یکی از برجسته‌ترین مورخان ریزه‌کار در تاریخ ایران دوره‌های مغولی تا اواسط عصر صفوی بود. اوبن موقعی که در ایران بود موفق به تصحیح متن رسالهٔ دو سید بم و شرح حال شاه نعمت‌الله ولی و *منتخب‌التواریخ* معینی شد. فارسی را نیکو یادگرفته بود ولی دشوار صحبت می‌کرد.

دورهٔ تاریخی تخصصی او مطالعات مربوط به قرن هشتم تا یازدهم بود. اما از لحاظ قلمرو جغرافیایی بیشتر به جنوب ایران می‌پرداخت. لار و فارس و یزد و کرمان مطلوب او بود. مقالات مربوط به صفویه و پژوهش در اسناد پرتغالی، در

فهرست تألیفاتش جایگاهی ویژه دارد. مقاله‌ای که در بارهٔ خاندان سید رکن‌الدین یزدی و موقوفات او و پسرش نوشت یکی از دلپذیرترین تحقیقات اوست و در *یزدنامه* به ترجمهٔ ع. روح‌بخشان چاپ شده است.

فهرست نوشته‌های او توسط ژان کالمار و ژاکلین کالمار در مجلهٔ *استودیا ایرانیکا* چاپ شده است. او به دوستان و همکاران فرانسوی توصیه و تأکید تا حد وصیت کرده بود که چیزی در سرگذشت او ننویسند. به خاطر احترام به خواست صریح و جدی ژان اوبن هیچ گونه ستایش یا ذکری از او به عمل نمی‌آید. تنها، سهم او در زمینهٔ مطالعات ایرانی ارج نهاده می‌شود، زیرا او با آثار ارزشمند خود همواره موجب غنای این مطالعات شده است.

اصالت شیوهٔ کار ژان اوبن، تحقیقاتش بر اساس منابع دست اول اروپایی یا شرقی، تعدد مراکز مورد استفادهٔ وی شامل تاریخ عقاید و آرا، شخصیت‌ها و وقایع روی داده از اروپا گرفته تا آسیا، به همراه ژرف‌نگری ویژهٔ وی در منابع ایرانی، پرتغالی، ترکی و هندی ... نکاتی هستند که در کتابشناسی او که در ذیل خواهد آمد بازتاب می‌یابند:

۱. «دو سید اهل بم در سدهٔ پانزدهم، مطالعه‌ای در تاریخ ایران دورهٔ تیموری» (*مجموعه مقالات آکادمی علوم و ادبیات مانیس، مجلهٔ علوم اجتماعی و انسانی*، ۱۹۵۶، ش ۷، ویسبادن، ۱۹۵۶.

۲. «منابع لازم برای کتابشناسی شاه نعمت‌الله ولی کرمانی» (*کتابشناسی ایرانی*، ۷)، تهران ـ پاریس، ۱۹۵۶.

۳. خلاصهٔ منتخب*التواریخ* معینی (نویسندهٔ گمنام اسکندر)، کتابفروشی کیهان، تهران، ۱۹۵۷.

۴. *سفارت گریگور پرایرا فیدالگو* به دربار شاه سلطان حسین، ۱۹۹۶ ـ ۱۹۹۷، لیسبون، ۱۹۷۱.

۵. *ایران مغول و وزیران ایرانی در تحول و تحرک انتقال فرهنگی* (مطالعات ایرانی، دفتر ۱۵)، پاریس، ۱۹۹۵.

۶. «لاتین و اسطرلاب»، مجلد اول، تحقیقات *در بارهٔ پرتغال دورهٔ رنسانس، گسترش آن در آسیا و روابط بین‌المللی*، (مجموعه مقالات، ش ۶۳، ۶۸، ۷۰، ۷۳، ۷۵،

۷۷، ۸۴، ۹۰، ۹۵، ۱۰۱ که توسط مؤلف بازبینی شده است)، لیسبون ـ پاریس، مرکز فرهنگی کالوست گولبانکیان [گلبانکیان]، ۱۹۹۶.

۷. «لاتین و اسطرلاب»، مجلد دوم (مجموعه دوم، *خلاصهٔ اسناد*)، زیر چاپ.

۸. *بازرگانان و کارمداران اقیانوس هند و دریای چین، سده‌های سیزدهم تا نوزدهم*، با همکاری د. لومبارد. پاریس، ۱۹۹۸.

۹. *شناخت پرتغال و اروپا*، پاریس، ۱۹۹۰.

۱۰. *سفرهای واسکوداگاما: شرح سیاحت‌های ۱۴۹۷ ـ ۱۴۹۹ و ۱۵۰۲ ـ ۱۵۰۳*، ترجمه و توضیح با همکاری پ. تیسیه وپ. والنتن، پاریس، شاندنی، ۱۹۵۵.

۱۱. «راهیابی‌های جدید در پژوهش‌های مربوط به تاریخ آسیای پرتغال»، *گزارش مباحثات پاریس*، ۳ و ۴ ژوئن ۱۹۹۵، با همکاری گ. بوشون، ۱۹۹۷.

و بیش از صد مقاله ...

منتخب‌التواریخ

گفته شد که چاپ فعلی کتاب بر مبنای چاپ اوبن صورت گرفته و برای این که متن برای همگان قابل استفاده باشد، از نسخه بدل‌های چاپ اوبن استفاده نشده است. محققان و زبان‌شناسان می‌توانند به چاپ قبلی مراجعه کنند.

اوبن در تصحیح، وقتی به اختلاف فاحش دو نسخهٔ اصلی که مبنای تصحیح او بوده بر می‌خورد، عبارت هر دو نسخه را نقل می‌کند. بدین صورت که پس از اتمام روایت نسخهٔ اول، به نقل روایت نسخهٔ دوم می‌پردازد که در بیشتر موارد ملاحظه می‌شود. مانند صفحات ۹۲ و ۹۵ یا صفحات ۱۰۹ ـ ۱۱۸ در صفحهٔ ۱۱۸ ـ ۱۲۷.

در چاپ حاضر همان شیوه رعایت و صورت واژه‌هایی که با دو یا سه املا ضبط شده همچنان حفظ شده است مانند: اروغ / اوروغ / اورغ / اروق / اوروق.

اغلاط چاپی تا آنجا که مقدور بوده برطرف شده است و موارد مبهم برطرف شده است. مثلاً در صفحات ۱۹ و ۲۰ از دو عزالدین یاد شده که تفکیک آنان مشکل می‌نماید. بنابراین با مراجعه به منابع، مشخص شد که یکی عزالدین عبدالعزیز پسر شیخ جمال‌الدین، و دومی عزالدین کردان شاه بوده است و همچنین در صفحهٔ ۲۰ عبارت سطر اول مبهم بود که با افزودن [عزالدین عبدالعزیز پسر] میان دو قلاب، عبارت مفهوم شد.

برای سهولت دستیابی به متن، نمایهٔ موضوعی تنظیم شده که در ذیل هر مدخل بر مبنای موضوع به صورت الفبایی تنظیم و با ذکر صفحه آورده شده است مانند ماوراءالنهر (ص ۴۲۰):

ماوراءالنهر (ج): ۱۶۷، ۲۰۶، ~ استیلای سلطان غازی ۹۷، الوس ~ ۲۰۵، امرای ~ ۹۶ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۲۰۵. در حقیقت به این صورت بوده است که صفحاتی که هیچ نوع توضیحی در مقابل آنها نیست، واژهٔ ماوراءالنهر بدون آن که حائز اهمیت باشد ذکر شده، اما در جایی که از (~) و عبارت یا واژه‌ای قبل یا بعد از آن عدد استفاده شده به معنای آن است که سلطان غازی بر ماوراءالنهر استیلا یافته یا الوس ماوراءالنهر یا امرای ماوراءالنهر است و برای پرهیز از تکرار واژهٔ ماوراءالنهر از علامت (~) استفاده شده است.

همچنین نمایهٔ اصطلاحات و لغات مغولی و غریب در فهرست جداگانه‌ای تنظیم شده است.

در پایان، سپاس خود را از استاد فاضل ارجمند ایرج افشار از نسخه‌شناسان و پیشکسوتان تصحیح متون خطی، اعلام می‌دارد. بدین سبب که اجازه فرمودند تا از مقالهٔ ایشان (*بخارا*، ش ۶، ۱۳۷۸، ص ۱۸۶ - ۱۸۸) در نوشتن شرح حال اوبن بهره‌مند شود و نیز از دکتر علی‌اصغر مصدق استاد محترم دانشگاه شهید بهشتی برای استفاده از مقالهٔ ایشان (*کتاب ماه ـ تاریخ و جغرافیا*، ش ۳۷ و ۳۸، ص ۸ - ۱۱) در معرفی کتابشناسی آثار اوبن سپاسگزار است؛ و نیز از آقای روح‌بخشان که قبول زحمت کرده اثر را ملاحظه نمود، سپاسگزاری می‌شود.

همچنین از آقای توکلی که عهده‌دار حروفچینی و صفحه‌آرایی اثر حاضر بودند تشکر می‌شود؛ و بر خود واجب می‌داند که از جناب آقای عبدالکریم جربزه‌دار مدیریت محترم انتشارات اساطیر که زمینهٔ چاپ این کار را فراهم کردند، نهایت سپاس و قدردانی خود را بیان دارد.

پروین استخری